

## همه مردم پا خاسته اند



« راه پیمایی ملیونها انسان » جوابی است در برابر ستم چند دهه در مصر

کارین لویکیفلد از قاهره

از صبحگاهان بدینسو موزیک خیلی بلند از بلندگوهای پر قدرتی در مقابل وزارت خارجه مصر در منطقه ساحلی دریای نیل در نقطه مرکزی قاهره شنیده میشود. اندکی بعد از ساعت ۸ یعنی پایان قیود، هنگامیکه اولین موترها و افراد پیاده دریای نیل را از طریق زیمالک به قصد داخل شهر عبور میکردند، یک بیانیه دهنده از طریق همین بلندگوها صحبت کرد. وی تعهد کرد که حکومت رنج مردم را درک میکند و میخواهد به حل مشکلات ایشان بپردازد، تاباشد که صلح و رفاه در کشور مصئون بماند. شخصی یک تی شارت را بلند نگه میدارد که در آن حسنی مبارک با لبخندی از بالا بطرف پائین نظر میاندازد. حدود ۳۰ نفر پرچمهای مصر را در اهتزاز درآورده و با نگاه های مشکوک حمل میکنند، تعدادی هم به تعقیب آنان در دویدن هستند که شتابان خیابان ساحلی را بطرف میدان تحریر، میدان نجاتبخش، پشت سر بگذارند. همزمان با آن، آنانیکه- تعدادی بخاطر حفظ محل کارشان- از رژیم مبارک دفاع میکنند، عده دیگری در همین روز نیز استعفای مردی را مطالبه میکنند که از ۳۰ سال بدینسو در مصر حکمروایی دارد. به ندرت میان هر دو جناح تبادل نظر صورت میگیرد، اگر چنین هم باشد طور عاجل بنابر مداخله نیروهای امنیتی پایان می پذیرد و این همان نیروهایی اند که از چندین روز بدینسو ساحل دریای نیل را میان وزارت خارجه و میدان تحریر ممنوع العبور ساخته اند.

یک مرد جوانی از میان آنان صدا میزند « امروز یک روز بزرگی برای ماست، تشکر از شما که آمده اید » وی خود را با پرچم مصر پیچانیده و عجله دارد تا هرچه زودتر با دوستانش وارد میدان تحریر، جایکه در همین روز یک میلیون نفر با هم ملاقی میشوند، گردد و از آنجا تا قصر ریاست جمهوری به مارش بپردازند. گرچه موانع و پیسته ها در جریان شب افزایش یافته بود ولی نطق اردو اسماعیل حتمان شب قبل بر آن اعلام کرده بود که اردو میخواهد تظاهر کننده گان را حمایت کند. موصوف در یک کنفرانس مطبوعاتی توضیح کرد «هرکس حق دارد در تظاهرات صلح آمیز شرکت کند. اردو خواسته های قانونی مصریها را احترام میگذارد». با شادمانی تمام توده ها درین سه شنبه تاریخی بطرف نقطه مرکزی شهر قاهره چون موج خروشان در حرکت بودند. جوهره های جوان و ازواج کهنسال، گروهی از همکارها و همصنفی ها، دکتوران با چپنهای کار، قاضیها با لباس خاص محاکم، زنان شیک پوش و مردان کهنسال با شعارها، بکسها، کمره ها و چهره های پرلبخند، چنان روان بودند که گویی به تماشای کدام بازی فوتبال و یا کدام کنسرت میروند.

در پسته های نظامی افراد ناظم ملکی در تلاشی افراد و بکسها کمک میکنند تا مطمئن گردند که سلاح به میدان تحریر حمل نشود. تعدادی از مردان به صفت تفتین گران از صف اخراج میشوند. هنگامیکه مردم هنوز هم بطرف میدان در حرکت بودند، به دادن شعار ها یی چون « مرگ برحسنی مبارک، مبارک گم شو، همین امروز گم شو » را با آواز بلند سر میدادند. در یکی از تابلوهای دیواری در کنار میدان میخوانیم که: « ایالات متحده آمریکا مداخله نکنید. ما چنان مظاهره میکنیم، که خود ما میخواهیم. شما میتوانید بازیهای تانرا با دیکتاتور انجام دهید ».

در میدان تحریر منظره رنگارنگی به مشاهده میرسد. زنان با چادر و بدون چادر، مردان در لباسهای مدرن و عنعنوی، آب و شربت توزیع میگردد، هرکسی لبخندی و کلمه خوش آیندی در برابر خارجیها و ژورنالیستان به لب دارد، این واقعیت را میتوان در همه جا مشاهده کرد. مردی با چوکی روان اش در میان ازدحام مردم در حرکت است و به یک محل مصئون در کناره صف رهنمایی میشود، از جائیکه وی میتواند حوادث را مشاهده کند. زمانیکه محمود سعد یکی از گوینده گان معروف تلویزیون دولتی در میدان ظاهر میشود، مردم وی را بالای شانه های شان حمل میکنند و مورد بدرقه گرم قرار میدهند. سعد چند روز قبل بعنوان اعتراض در مورد گزارشدهی این شبکه از وظیفه اش کناره گیری کرد.

مردم مطالبات شان را روی تکه و پلاستیک، کارتن شیرویا آب می نویسند. مرد جوانی بالای کاغذ کارتن نوشته بود « زمان برایت به پایان رسیده، اکنون نوبت من است »، روی یک پلاکات به زبان انگلیسی که مرد سالمندی آنرا به گردن خویش آویخته، میخوانیم « مبارک ما از تو

نفرت داریم». « لطفاً بروتا مصریهادر صلح زنده گی کنند». مرد جوانی در میدان تحریر اظهار میدارد، « اینکه مارش واقعاً عملی میگردد یانه آنقدرها درخور اهمیت نیست. بااهمیت تراینستکه امروز یک ملیون انسان درینجا ویا محل دیگری درقاهره ویا در سائر شهرها به اعتراض میپردازند ویگانه پیام روشن را باخود دارند: اوباید برود. وی که خودرا بنام یکی از الهه های مصر معرفی میکند، چنین ادامه میدهد که « وی خود را برای اولین باردرزنده گی اش « تبعه آزاد میداند ونه تبعه محبوس. همه بخشهای جامعه درین میدان گردهم آمده اند، « مردان، زنان، سالمندان، جوانان، مسیحیان، مسلمانان، ثروتمندان وفقراً». وی همیشه تصور میکرد که مصریهامردمان بی تفاوت هستند، ولی اکنون همه شان با گردن افراشته درینجا حضوردارند. وی میگوید « این منظره جوابی است دربرابر ظلم وستم دهها سال. هیچ نیروی توان برگشت دادن آنرا ندارد».